

# سازمانده کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۱۳ مرداد ۱۳۸۵

۲۹

جمعه ها منتشر میشود

رفیق عزیزم،

امیدوارم که در این سطح و به شکل نوشتاری بشود جواب سوالات را داد. تلاش میکنم ولی خواهش میکنم آگه سوالات دیگری مطرح شدن برام بنویسی.

من فکر میکنم که مسئله تا آنجا که به کار شما مربوط میشود دو سطح دارد. اول اینکه کلا این کمیته های کمونیستی قراره که چه بکنند و یا بقول تو چه تغییری در کار ما بدهند و دوم اینکه ترکیب این افراد مناسب هست یا نه؟

من به نکته اول میپردازم و بعد به مسئله دوم.

کمیته های کمونیستی قراره که ما را از یک جمع بی شکلی که کار کمونیستی میکنند و هر از گاهی از این آکسیون تا آن آکسیون همدیگر رو میبینند و با هم کار میکنند، خارج کند. به اهداف طولانی تر این کمیته ها در نوشته های مختلف پرداخته ایم ولی این جا بطور مشخص دو تصویر است. کاری که ما تا بحال کردیم این طور بوده که هرکسی بسته به توانش و وقتش و کلا تشخیص خودش رفته به جایی بقول تو یا سعی کرده ارتباط بگیره یا اینکه جایی رو شلوغ کنه و یا اینکه مانع شلوغ شدن جایی بشه، فعالیت کمونیستی اساسا محدود شده بود به فعالیت تک افرادی که این جا و آنجا فعالیت هایی را دنبال میکردند.

## کمیته های کمونیستی جوابی به دو سوال

بهرام مدرسی

میبینی که هدف ایجاد یک نوع دیگر از فعالیت است. این کمیته ها همانطور که قبلا هم گفته ایم باید در آینده تبدیل بشوند به کمیته های شهر ما و ممکن است ما در یک شهر یک یا چند کمیته داشته باشیم که با هم همکاری هایی میکنند و در ادامه کمیته شهر را با هم تشکیل خواهند داد.

مهم به نظر من این است که بخواهیم که در این سطح ظاهر بشویم. فعالیت منفرد را ما ابتدای کار مشترکمان ترجیح دادیم و به درجات زیادی هم خوب تا حالا جواب داده است اما اگر بخواهیم که دامنه کارمان را گسترش بدهیم و بخشی از آن نقشه سراسری حزب برای کسب قدرت سیاسی باشیم، اگر بخواهیم که فعالیت و سازمان حزبی را جزیی از یکی از مهمترین ابزارهای دخالت ما در اوضاع سیاسی ببینیم، دیگر فعالیت فردی و با این کالیبر فعلی جواب گونیست.

گارد آزادی را باید سازمان بدهیم، باید سعی کنیم که عملا بخش یا بخشهایی از هر شهری را در کنترل خودمان داشته باشیم و این هم البته از امروز به فردا امکان پذیر نیست باید برای آن زیربنایی ساخت که این کمیته ها قدم اول و اساسی در این راه هستند. با تشکیل هر کمیته ای طبعاً با مشورت با حزب باید نشست و درمورد برنامه های هر کمیته ای صحبت کرد و کار را شروع کرد. امیدوارم این توضیحات جواب سوال

همان کار سابق را به اسم دیگه ای ادامه بدهیم و این یکی از نکات اصلی است. سوال شده است که چه تغییری و یا چه بهبودی در کار تو بوجود میاید؟ جواب من این است که فعالیت فردی را در درجه اول جمعی میکنم، جواب من این است که میشود یک جمع بشینند و در مورد محل فعالیتشان جمعاً بحث کنند و تصمیم بگیرند و ببینند که چه کار باید و چه کار نباید کرد؟

این که میگویم جمعی منظورم حتی تنها فقط جمع شما هم نیست، منظورم خود حزب هم هست، یعنی اینکه در نقشه حزب که مثلاً چه اقداماتی باید در تهران یا شیراز یا تبریز و اهواز انجام شود، کمیته شما چه نقشی و چه جایگاهی در این رابطه میتواند داشته باشد؟

این کار با فعالیت فردی تک تک افراد کمونیستی که منفصل کار میکنند، بسیار متفاوت است و همین به نظر من کالیبر دیگه ای در کار را ایجاد میکند. همانطور که گفتیم اگر بدوا سر این توافق داشته باشیم که قرار است ظاهراً همان کارهای سابق ادامه پیدا کنند، خوب حتماً حق با تو خواهد بود که پس دلیل ایجاد این کمیته ها چیست؟

مسئله اما دقیقاً همین است که نباید فعالیت های سابق را به این شکل ادامه داد، چرا که این دیگر جواب گو نیست! اگر این او از من قبول کنید، همانطور که گفتیم مستقل از اینکه چه کسانی در کمیته شما هستند یا نه؟

طبیعی است که این فعالیت ها همه مفید هستند اما برای یک حزب کمونیستی و بخصوص حزب ما کاملاً دیگر ناکافی. کمیته کمونیستی قرار است که فعالیت افراد کمونیست را به فعالیت سازمان کمونیستی تبدیل کنند. قرار است که فعالیت فردی را به فعالیت جمعی تبدیل کنند و به این شکل کلا کیفیت دیگه ای از کار را ارائه بدهند. این به نظر من یعنی از فعالیت محفلی گذر کردن و به فعالیت جمعی و حزبی رسیدن.

بگذار این را مثلاً در مورد همین رفقای شما اضافه کنم: این رفقا سابقاً هم با هم ارتباط داشته اند و با هم کار کرده اند، کار کردنشان با هم از این آکسیون تا آن آکسیون بود است، بعضی وقتها با هم سر امری معین گپ زده اند و یا اینکه با هم هم نظری کرده اند، سوال این است که آیا این کافی است؟ این برای کاری که ما باید انجام بدهیم جواب میدهد؟ جواب من منفی است.

به نظر من الان وقتش که این فعالیت های پراکنده و فردی را به فعالیتی جمعی و به این اعتبار گسترده تر و حزبی تبدیل کنیم. اگر رفقای شما با هم جمع بشنوند دیگر حتماً نباید مثل سابق به کارشان ادامه بدهند، اگر قرار باشد که مثل سابق به کارمان ادامه بدهیم و از فردا به همان کار سابقمان اسم دیگری بدهیم، کاملاً حق با تو است که فایده تشکیل این کمیته چه میباشد؟

مسئله اما این است که قرار نیست

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

اول را داده باشم.

در رابطه با سوال دوم: اینکه آیا این ترکیب مناسب هست یا نه؟ من فکر میکنم که این ترکیب برای شروع کار خوب است ولی مهمتر این است که در کمیته ها هر فردی با کالیبر و توانایی های خودش شرکت دارد، کسی مبلغ خوبی است ولی لزوماً شاید نتواند یک آکسیون و یا حرکت را سازمان بدهد، کس دیگری کادر ساز خوبی است، یکی دیگر چهره علنی است و امکانات فعالیت علنی خوبی دارد.

به نظر من یک جمع که قابلیت های مختلفی دارند میتوانند همدیگر را تکمیل کنند و در مورد کمیته شما هم فکر میکنم این جمع همدیگر را میتوانند تکمیل کنند. من میوانم که انتقاداتی مثلاً امکاناً به نوع کار این رفیق یا آن رفیق میتواند وجود داشته باشد. به هر حال میشود آگه این انتقادات مشخصاً مطرح بشوند درباره آن ها بحث کرد ولی حتی آگه همین هم جدا مطرح باشد، من فکر میکنم که فعالیت جمعی ما در کمیته میتواند کمک کند که این انتقادات هم حل بشوند و با هم به یک نوع کار مشترک برسیم.

این هم بخشی از کار حزبی ما است. این جا مهمتر از هر چیز این است که همه بدانیم که قرار نیست مثل سابق به کارمان ادامه بدهیم و انتظارات دیگری از فعالیت جمعی و از همه اعضای کمیته است.

من ضمیمه این جواب بخشی فشرده و دسته بندی شده از نوشته رفیق کورش را هم در این رابطه برات میفرستم و حتماً این را هم در ادامه بخوان و اگر سوالات دیگری مطرح بودند، خبرم کن.

قربانت، بهرام

\*\*\*

## اصول و سبک کار کمیته های

### کمونیستی

۱ - کمیته های کمونیستی تغییر اوضاع سیاسی ایران، شکست جنبش دوم خرداد، مقابله سنت های سیاسی مختلف موجود در جنبش

سرنگونی برای تامین رهبری جنبش اعتراضی مردم، همه احزاب جدی را در مقابل مسئله سازمان سازی حزبی به معنی اخص کلمه قرار داده است. همه احزاب در حال گذار از شیوه کار جنبشی به شیوه فعالیت سازمانی تر هستند.

آنچه که در منتهی علیه مسئله نیروی یک حزب سیاسی را برای تضمین انتقال قدرت خود تامین میکند، قدرت سازمانی این حزب، قدرت بسیج مردم به اعتبار این سازمان و دامنه وسعت و گسترش سازمانی این احزاب است. برای حزب حکمتیست ها اهمیت سازمان حزبی صد چندان میشود چرا که این حزب به نیرویی جز نیروی مردم و اتحاد آنها نمیتواند متکی باشد. کمیته های کمونیستی ضربان و نبض سازمان حزب در ابعادی اجتماعی در ایران هستند. حزب حکمتیست ها با اتکا به این کمیته ها تلاش خواهد کرد که جنبش اعتراض مردم، خواسته ها و اهداف آنرا تا سرنگونی رژیم اسلامی و خلع ید از سرمایه و برقراری حکومت سوسیالیستی، سازمان دهد، برای ما تحزب کمونیستی یعنی سازمان دادن مبارزه انسانها برای زندگی و دنیای و بهتر، در هر بعد آن و بخصوص در بعد سیاسی برای تصرف قدرت سیاسی به عنوان مهمترین رکن تلاش انسان برای دنیای بهتر.

### کمیته کمونیستی چیست؟

کمیته های کمونیستی مرکز تمرکز رهبران اجتماعی و توده ای و سازمان دهندگان حزبی و توده ای در یک نهاد واحد است که ما به آن نام "کمیته های کمونیستی" را میدهم. این کمیته ها از یکطرف فعل و انفعال اجتماعی و سیاسی و از طرف دیگر امر رهبری و سازماندهی لجستیکی حزب را در یک موجودیت واحد تشکیلاتی ادغام میکنند، تشکل رهبران اجتماعی و توده ای و سازمان دهندگان درجه یک حزبی و توده ای در یک نهاد واحد به آن نام "کمیته های کمونیستی" هدف ماست. تمرکز در امر رهبری و سازمان دهی

در بعد اجتماعی و حزبی خمیرمایه ای است که در این کمیته ها متحد شده اند.

کمیته های کمونیستی به این ترتیب مرکز تشکل رهبران اجتماعی حکمتیستی است که در محل فعالیت خود قابلیت سازمان دادن تحرکات اجتماعی را در هر بعدی دارند. رهبرانی که به اعتبار اعتماد مردم در محل به آنها امکان به چپ چپ و بر راست راست کردن تحرکات اجتماعی را دارند.

دامنه تاثیر گذاری این رهبران اجتماعی اما بدون داشتن صفی از سازماندهندگان و مبلغین زیردست حزبی، کسانی که سازمان میدهند و به این ترتیب پشت جبهه ای قوی، ادامه دار و محکم برای تضمین ادامه فعالیت و گسترش ابعاد این فعالیت ها و به این اعتبار حضور و تاثیر گذاری حکمتیسم را در کنار این رهبران اجتماعی تضمین میکنند، محدود و کوتاه مدت خواهد بود. اگر بعد حزبی، سیاسی و حکمتیستی را از رهبران اجتماعی و عمل اجتماعی آنها جدا کنیم و به این ترتیب تحزب سیاسی و تلاش برای کسب قدرت سیاسی به اعتبار آن را فراموش کرده ایم، نقش رهبران اجتماعی و به اعتبار آنها تحزب سیاسی منتج از آنها در بهترین حالت به یک گروه فشار در چارچوب قدرت سیاسی بورژوازی کاهش خواهد یافت.

همانطور که رهبران اجتماعی بورژوازی مستقل از اینکه به چه شاخه ای از تحرکات اجتماعی این طبقه مربوط هستند، صفی از احزاب، دولت و ارتش را در کنار خود دارند، رهبر اجتماعی حکمتیست هم باید صفی از رهبران و سازماندهندگان حزبی را در کنار خود متشکل داشته باشد تا فعالیتش و ابعاد اجتماعی آن محدود به اپوزسیون احزاب بورژوایی بودن، نشود. در غیر این صورت و با حذف این فاکتور حزبی و سیاسی آنها به ناچار تنها متکی به شبکه های جنبشی و مبارزاتی میشوند که حزب و ماشین محکم حزبی در آن نقشی ندارد. این درمقابل قدرت و دامنه عمل احزاب و بورژوایی بسیار کوچک و کم تاثیر

خواهد بود.

این شیوه ای از فعالیت جریانهای است که اساساً نقششان محدود به ایفای گروه فشار بر بورژوازی است و نه الگرناتیو آن در گرفتن قدرت سیاسی و روشن است که حکمتیست ها نمیتوانند و نمیخواهند که اپوزسیون بورژوازی باشند.

بدون چفت کردن و بهم بافتن رهبران اجتماعی و سازمان دهندگان توده ای و اجتماعی با رهبران و سازماندهندگان و متخصصین سازمانی حزبی در یک نهاد امر رهبری اجتماعی که تنها ابزار ما برای کسب قدرت سیاسی و ایجاد دنیایی آزاد و برابر است به یک ادا در آوردن و هنرپیشگی سیاسی و تشکیلاتی تبدیل میشود و نه تنها این بلکه امر تمرکز سازمانی هم به ناچار به یک سازمان مریخی و غیر اجتماعی منجر میشود، سازمانی که ماداماً شاید بحثهای خوب سیاسی میکنند اما با دنیای خارج از خودش کمترین ارتباط و کمترین تاثیر را دارد. سازمان هانی که هیچوقت پایشان هیچ جایی محکمی بند نبود و کمونیست هانی که راحت تر هستند که با هم حرف بزنند تا اینکه بروند با مردم حرف بزنند. کمونیست هانی که نمیتوانند به زبان آدمیزاد با مردم حرف بزنند و جز خودشان کسی نوشته و حرفشان را نمیفهمد، کمونیست هانی که نمیتوانند مردم را جذب کنند و نمیتوانند رهبر مردم شوند.

ما نیازمند سازمانی هستیم که پایه تحزب آن نوع جدیدی از تمرکز باشد که به تمام بحث های سبک کاری و سازمانی کمونیسم خودمان، کمونیسم منصور حکمت، چفت میشود. تمرکزی که مشخصه اصلی آن بعد اجتماعی آن است. تمرکزی که جامعه و حزب را در هم ادغام و در خود یکی میکند. تمرکزی که فعل و انفعال اجتماعی و توده ای و فعل و انفعال سازمانی حزب را با هم مقدور میکند و واقعاً تمرکز در تحزب را در یک محل یا جغرافیا را بوجود می آورد.

# نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

کمیته های کمونیستی با اتکا به این مشخصات است که میتوانند در کارخانه، در محله، در شهر و در مدرسه و دانشگاه چنین نقش محوری را بازی کنند. ماتریال انجام این نقش را دارند، و اساسا فلسفه و شاخص پس رفت و پیشرفت آن ایفای چنین نقشی است. تمرکز این کمیته ها از نیاز به ایجاد تمرکز در مبارزه، در رهبری و در سازمان دهی حزبی و اجتماعی این مبارزه ناشی میشود. کمیته کمونیستی یک فعل و انفعال زنده در کارخانه، در محله و یا در هر فضا و شبکه ی مبارزاتی دیگر است. قلب حزب است که دامن در محل میتپد.

بنابراین کمیته های کمونیستی پایه های سازمانی حزبی هستند که از یک طرف پتانسیل اجتماعی دارند و میتوانند جامعه را به حرکت در آورد و از طرف دیگر ماشین حزبی را ندارد که تنها این حرکت را ممکن میکند و سازمان میدهد بلکه هر پیشروی را تبدیل به افزایش قدرت سازمانی و افزایش تحرک اجتماعی و سیاسی حزب میکند و میتواند هر پیشروی را تبدیل به یک سنگر محکم کند که عقب راندن جامعه و حزب از آن سنگر مشکل باشد. ماشینیهی که اعضا و دستداران جلب شده را جذب و در سازمان حزب انتگره میکند. این پایه سازمانی کمیته های کمونیستی است.

سازمان اعضا به این ترتیب زیر مجموعه کمیته کمونیستی و تابع آن است. سازمان اعضا ارگانیزم غیر مستقلی است که روی پای خود معنی ندارد و نمیتواند زندگی کند و به این ترتیب نقطه شروع توجه سازمانی ما نیست. سازمان پایه حزب آن واحد پایه ای است که فعالیت و حیات حزب را در محدوده عمل خود انجام میدهد و جنس و نوعش مثل خود حزب است که ما آنرا کمیته های کمونیستی مینامیم.

کمیته های کمونیستی باید مثل گره های عصبی، در شبکه های مبارزاتی و اجتماعی نقش بازی کنند و این شبکه

ها را به رنگ خود در می آورند و از این طریق جامعه را به دور خود به حرکت در می آورند. جامعه یک پدیده انتگره است. کارگر فقط در کارخانه مبارزه نمیکند. در محله هم زندگی میکند، مشکل آب و برق و تلفن دارد، مشکل مدرسه بچه هایش را دارد، مشکل خطر اعتیاد برای بچه هایش را دارد، فرزندش در دانشگاه و مدرسه درس میخواند، سر دخترش به زور حجاب میکنند و شامل آپارتاید جنسی میشود، بنابراین چه کارگر، چه کارمند، چه بیکار و چه جوان و دانشجو انسان است، صنف نیست.

انسان در این جامعه زندگی میکند و در این جامعه باید برای همه چیز مبارزه کرد و حول این همه این ها شبکه های مبارزاتی و حمایتی شکل میگیرند. در دنیای واقعی این شبکه ها به هم میرسند، خوب یا بد از هم تاثیر میگیرند و بر هم تاثیر میگذارند. محال است در جایی کارگر سوسیالیست یا عدالتخواه باشد و غیر مستقیم هم که باشد، تته اش به تته دانشجو یا آدم های سوسیالیست و شبکه های مبارزاتی و معترض در آن محیط نخورد. شبکه های مبارزاتی سلسله اعصاب جامعه هستند جایی به هم میرسند. کمیته های کمونیستی تنها بر متن این شبکه های مبارزاتی و بخصوص شبکه فعالین اجتماعی چپ و کمونیست میتوانند شکل بگیرد و عمل کند. شبکه مبارزاتی که کارخانه، رشته، دانشگاه ها و این یا آن بخش جامعه را به هم وصل میکنند، میتواند یکی از ابزارهای اصلی کار اهداف کمیته های کمونیستی هستند.

کمیته های کمونیستی میتوانند اشکال مختلف داشته باشند. اساس کار کمیته های کمونیستی معطوف به جغرافیای معین، مثل کارخانه، محله، شهر، روستا، مدرسه، دانشگاه و .. است. اما کمیته ها به این اشکال محدود نیستند. کمیته های کمونیستی میتوانند معطوف به یک سازمان توده ای (اتحادیه، انجمن، سازمان غیر حزبی توده ای،

شورا و...) یا کمیته های معطوف به یک رشته خاص مثلا نفت، برق و غیره باشند. کمیته های کمونیستی میتوانند معطوف به شبکه های مبارزاتی که ممکن است چند دانشگاه و کارخانه و کانون هنری و غیره را به هم وصل میکنند، باشند. کمیته کمونیستی میتواند معطوف به یک عرصه خاص از مبارزه باشد مثل عرصه جنبش زنان یا جوانان و غیره باشند. باید به این کار کاملا خلاق و منعطف برخورد کرد.

مهم این است که کمیته ها محیط اطراف خود را به رنگ خود در می آورند، این محیط را سازمان میدهند، مثل بلور کریستالی هستند که در یک مایع اشباع شده قرار گرفته است محیط خود را به سرعت متبلور میکنند. وقتی جانی کمیته کمونیستی شکل میگیرد رفتار مردم، تناسب قوای سیاسی، فکری، فرهنگی و اجتماعی به نفع آزادی خواهی و بربری طلبی تغییر میکند، حزب و سیاست های حزب نفوذ بیشتری پیدا میکند و فضایی که در آن فعالیت میکنند عوض میشود.

#### - عضو کمیته کمونیستی کیست؟

اعضای کمیته های کمونیستی اعضای ساده حزب نیستند. کادرهای حزب هستند. کادرهایی هستند که تنها دلشان نمیخواهد این کار را انجام دهند و "رهبر شوند" کسانی هستند که نشان داده اند که میتوانند چنین نقش هانی را بازی کنند. این کادرها یا رهبر توده ای و اجتماعی هستند یا سازمان دهنده گان تراز اول توده ای یا سازمان دهنده گان تراز اول حزبی، یا مسئولین نظامی درجه یک و یا، بسته به نقش هر کمیته خاص، متخصصین دیگری هستند که به کمیته امکان ایفای نقش سیاسی، مبارزاتی، فکری، عملی و سازماندهی اجتماعی و حزبی را توأمأ میدهد. اینها کسانی هستند که متحد و با هم این فعل و انفعال را سازمان میدهند

این کمیته ها ابزارهای لازم برای ایفای چنین نقشی را میسازند. خود به آژیتاتور ها و رهبران اجتماعی تبدیل

میشوند و یا رهبران و آژیتاتورهای اجتماعی موجود را به خود جذب میکنند، خود در امر سازمان دهی و تدارکات و امنیت و نظامی حزبی و اجتماعی متخصص میشوند و یا این سازمان دهندگان و متخصصین را به خود جذب میکنند. این کمیته ها مجبورند که تناقض یا رقابت میان اهمیت نویسنده و آژیتاتور خوب، با رهبر اجتماعی توانا، تناقض و رقابت میان سازمان دهندگان توانا با نقش رهبران اجتماعی را حل کنند. کار این کمیته ها بدون همکاری و بازو در بازو این دو خاصیت پیش نمیرود. یک حزب کمونیستی اجتماعی همان قدر به یک رهبر و آژیتاتور اجتماعی نیاز دارد که به یک متخصص سازمانی خوب.

#### ۲ - چگونه و چه وقت میتوانند یک

#### کمیته کمونیستی را تشکیل دهند؟

کمیته های کمونیستی نمیتوانند محل تمرکز کمونیست های بی نفوذ، کسانی که مستقل از درجه تسلط شان بر مارکسیسم یا نقش اجتماعی ندارند و یا اگر چنین نقشی را دارند این نقش شان را در خارج از این تمرکز سازمانی شان رفع و رجوع میکنند. در نتیجه سازمان همچنان در حاشیه جامعه باقی میماند. این نوع سازمان نمیتواند انقلابات و اتفاقات اجتماعی و توده ای را سازمان دهد. این سازمان میتواند اعلامیه پخش کند، خبرنگاری کند، تبلیغات کند، اما نمیتواند در ابعاد اجتماعی مردم را به حرکت در بیاورد و از ایفای نقش جنبشی و اجتماعی قاصر میماند. کمیته کمونیستی جمع هانی هستند که وظیفه آنها رهبری اجتماعی - توده ای و سازماندهی حزبی و توده ای، تضمین آن است که سیاست کمونیستی حزب در منطقه یا محدوده عمل این کمیته تسلط پیدا کند. این در حقیقت تمرکز کادر ها است. کار این تمرکز سازمان دادن مبارزه اجتماعی به زیر سیاست ها و شعار ها و اهداف و تاکتیک های حزب است. باید این تمرکز

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

با تقسیم کار در میان خود بتواند رهبری اجتماعی، رهبری سیاسی و توده‌ای، رهبری سازمانی و تدارکاتی و امنیتی و نظامی فعالیت حزب و همچنین تفوق فکری کمونیسم ما بر سایر جریان‌های فکری و جنبشی در محل را تامین و تضمین کند.

این کمیته‌ها از نظر حزبی مسنول و رهبر فعالیت حزب در محیط عمل خود هستند. شاخص موفقیت آنها هم نه تعداد اعلامیه‌های پخش شده و نه تعداد خبرهای مخابره شده، بلکه شاخص ابژکتیو موفقیت این کمیته‌ها این است که چقدر این نقش رهبری متحدکننده حزبی و اجتماعی را ایفا کرده‌اند و چقدر حزب را به جریان سیاسی، اجتماعی و فکری و عملی هژمونیک در محدوده عمل خود تبدیل کرده‌اند. البته کمیته‌ها برای این کار به ایجاد سازمان متناسب، پخش اعلامیه، عضوگیری، خبرنگاری و غیره هم احتیاج پیدا میکنند. شاخص نهانی این است که این کمیته‌ها چقدر توانسته‌اند مبارزه را متحد کنند، چقدر توانسته‌اند مبارزه را متشکل کنند، چقدر توانسته‌اند این مبارزه را حول سیاست‌های حزب رهبری کنند و در این راستا چقدر حزب را بسازند. اینها همه ابعاد یک پدیده واحد است. به اعتقاد من قدم بعدی در تئوری سازمانی

ما و در ساختن حزب تشویق ایجاد کمیته‌های کمونیستی است.

کمیته‌های کمونیستی نمیتواند در محیط فعالیت خود نه رهبر اجتماعی را با خود داشته باشند و نه سازمانده‌های توانای اجتماعی و حزبی و تنها ترکیبی از "بچه‌های خوب" ایدئولوژیک باشد. این با هدف و فلسفه وجودی کمیته متناقض است. کمیته کمونیستی ترکیبی از کسانی است که با هم کار رهبری و سازمان‌دهی اجتماعی و حزبی را انجام میدهند. کارهایی که از تک نفری ساخته نیست، هیچ تک نفری همه این خاصیت‌ها را ندارد.

عدم تفکیک این دو نوع فعالیت اجتماعی و حزبی و ادغام درست آنها در یک سازمان درست حزبی برای خود ما مشکل درست کرده است. بطور اخص حزب ما رهبرانی را دارد که در ابعاد اجتماعی میتوانند هزار نفر هزار نفر برای حزب عضو بگیرند، رهبرانی را داریم که میتوانند جامعه و توده مردم را به امر خود به حرکت در آورند. اما از همین‌ها میخواهیم که هم سازمان دهندگان توانای حزبی و هم نویسندگان برجسته باشند. از طرف دیگر از سازمان دهندگان برجسته حزبی و از نویسندگان توانای مان میخواهیم که نقش رهبر اجتماعی را

ایفا کنند. هر دو به بن بست میرسند و سازمان حزبی ما نه نقش رهبری اجتماعی را درست بازی میکند و نه اصولاً سازمان درستی را ایجاد میکند.

فاکتور مهم دیگری که باید به آن توجه کرد این است. که کمیته کمونیستی نمیتواند صنفی و رشته‌ای باشد.

اگر کمیته کمونیستی بخواهد نقشی که گفتیم را بازی کند آنوقت باید کمیته کمونیست‌ها باشند. به این معنی کمیته کمونیستی در یک محل کمیته کمونیست‌های آن محل است. به قول لنین کمیته‌ای است که در یک محل کارگر کمونیست، فاحشه کمونیست، دانشجو کمونیست، سرباز، دهقان یا هر انسان کمونیست دیگری را در خود جا میدهد. مثلاً در دانشگاه کمیته کمونیستی نباید تنها کمیته دانشجویان کمونیست باشد. باید کمیته دانشجو، استاد، کارمند، نژادفشی، و هر موجود کمونیست دیگری در آن دانشگاه باشد.

همینطور کمیته کمونیستی در کارخانه، در محله، در روستا و غیره، هر کدام باید کمیته کمونیست‌های آن محیط باشند. کمیته کمونیستی نمیتواند صنفی کارگران کمونیست، دانشجویان کمونیست، دهقانان کمونیست، زنان کمونیست و غیره باشد.

بنابراین کمیته‌های کمونیستی کانون کادرهای حزب هستند. ما به دلایل امنیتی همه کادرهای مان در فلان دانشگاه یا کارخانه را در یک کمیته به هم معرفی نمیکنیم. این کادرها باید در جمع‌هایی که خود از جنس کمیته کمونیستی هستند متشکل باشند و فعالیتی در قالب کمیته کمونیستی را سازمان دهند.

در قدم اول، هم به دلیل امنیتی و هم به دلیل اینکه این کار برای ما روش تازه‌ای است، باید سازمان منفصل را در پیش بگیریم. این انفصال را در سطح کمیته‌های کمونیستی نگاه داریم. بعداً در اولین فرصت باید کمیته کمونیستی ما در هر جا متمرکز شود و رهبری و مسنولیت حزب در آن منطقه یا محل را تماماً برعهده بگیرد.

کانونی که در این محدوده تصمیم میگیرد کمیته کمونیستی است که در چارچوب سیاست و سلسله مراتب حزب تصمیم میگیرند و محیط خود را سازمان میدهند و رهبری میکنند. در این کمیته‌ها رهبران اجتماعی و توده‌ای، متخصصین سازماندهی، جعل، امنیت، تدارکات، مالی، نظامی، تبلیغات، تشریفات، آموزش و غیره و غیره شرکت دارند، کسانی که بعلاوه بیش از یک عضو مایه میگذارند و مسنولیت قبول میکنند.

### دبیر کمیته تشکیلات کل کشور

[Bahram-modarresi@freenet.de](mailto:Bahram-modarresi@freenet.de) - Tel: 0049 174 944 0201

### آدرسها و تلفن‌های تماس

[asad.golchini@ukonline.co.uk](mailto:asad.golchini@ukonline.co.uk) - Tel: 0044 7940416768  
[mozafar.mohamadi@gmail.com](mailto:mozafar.mohamadi@gmail.com) - Tel: 0046 738595863  
[m\\_ghazvini2005@yahoo.dk](mailto:m_ghazvini2005@yahoo.dk) - Tel: 0045 51603121  
[khaledhaji@yahoo.com](mailto:khaledhaji@yahoo.com) - Tel: 0046707485754  
[azam\\_kamguian@yahoo.com](mailto:azam_kamguian@yahoo.com) - Tel: 0044 788 4040 835  
[m.fatahi@gmail.com](mailto:m.fatahi@gmail.com) - Tel: 004407 881 885 815  
[iraj.farzad@gmail.com](mailto:iraj.farzad@gmail.com) - Tel: 0046739555085

بهرام مدرسی

اسد گلچینی  
 مظفر محمدی  
 محمود قزوینی  
 خالد حاج محمدی  
 اعظم کم‌گویان  
 محمد فتاحی  
 ایرج فرزاد

**متحد شوید! به حکمتیست‌ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!**

# امنیت سبک کار و توازن قوا

اعظم کم‌گویان

تامین امنیت فعالین سیاسی بطور اعم و کادرهای حکمتیست بطور اخص مساله مهمی است که معمولا خود این رفقا و فعالین به اندازه کافی به آن بها نمی دهند. ما بدنبال نقدهای مداوم و بازبینی ها و ضربات امنیتی متعدد در دوران فعالیت در حدود سه دهه گذشته خود به تنوری امنیت مبتنی بر سبک کار کمونیستی و توده ای دست یافته ایم. این تنوری باید بر فعالیت های ما ناظر باشد و به آن عمل کنیم.

یک وجه مهم فعالیت یک رهبر سیاسی و کادر حکمتیست که در کمیته ها و شبکه های کمونیستی به امر مبارزه و سازماندهی و بهم بافتن کارگران و زنان و دانشجویان مشغول است فعالیت علنی است. ما بارها به مساله توازن قوا بعنوان فاکتوری که حدود و ثغور این فعالیت علنی و ابراز وجود سیاسی را تعیین می کند پرداخته ایم. فعال حکمتیستی که در راس شبکه های کمونیستی و در کمیته های کمونیستی عضویت دارد بنا به هویت و تعریف خود در سطح جامعه ابراز وجود می کند. بطور مثال رهبر کارگران یا دانشجویان است و آنها را در جامعه نمایندگی می کند. این فعالیت او را در جامعه محبوب و سرشناس می کند. پیدا کردن چنین جایگاهی یک عامل مهم در تامین امنیت او و ادامه کاری فعالیت هایش است. احراز چنین جایگاهی باعث می شود که دست درازی رژیم و ارگانهای سرکوب آن به او محدود تر شود و در صورت دستگیری هم آنها براحتی نمی توانند سر چنین رهبری با چنین موقعیتی زیر آب بکنند. کل جامعه در ایران و در سطح بین المللی دست به کار می شوند افشاگری می کنند و برای نجات او عمل می کنند.

اما متاسفانه رفقای هستند که به این نوع مسائل بهای لازم را نمی دهند و به ابراز وجود سیاسی خود در سطح جامعه و دست بردن به ابزارهایی که نقش و وزنه آنها را منعکس کند اعتنای لازم را نمی کنند. رفیق سازمانده حرکات توده ای در سطح محله و کارخانه و دانشگاه باید و لازم است که از ابزارها و فونکسیونهای لازم اجتماعی مانند ظاهر شدن در رسانه ها اظهار نظر علنی در رادیو ها و نشریات و داشتن وب سایت شخصی استفاده کند و بعنوان رهبر و صاحب عرصه فعالیت خود در جامعه ظاهر بشود و جامعه و نه فقط سایر فعالین و یا دانشجویان و کارگران به او در چنین قامتی نگاه کرده و رجوع بکنند. ممکن است رفقای بدلیل داشتن مشغله های متعدد و یا فروتنی و دلایلی نظیر اینها از چنین امری غافل باشند اما این دسته از رهبران و رفقا باید بخصوص به ضربه پذیری امنیتی که مشکل جدی ناشی از این بعضا سبک کار غلط است دقت کنند.

نکته دومی که در این نوشته مورد بحث من است تاثیر تغییر توازن قوای سیاسی - چه مقطعی و چه مرحله ای - بر امنیت رفقا و شبکه های فعالین حکمتیست است. در مبارزه سیاسی همیشه لحظه های بالا و پائین و عقب کشیدن و جلو رفتن هست. معمولا نبض این تغییرات را خود فعالین کمونیست بیشتر از هرکس حس می کنند و بیشتر از هرکس دیگر باید به آن سریععا عکس العمل نشان بدهند. واضح است که منظور اینجا این نیست که دست و پای خودشان را ببندند یا برعکس خود را در معرض خطر و ضربه پذیری قرار بدهند. توجه داشته باشیم که در مقطعی که توازن قوای سیاسی به ضرر ما تغییر می کند باید حواسمان به عقب نشینی های مقطعی و یا مرحله ای فکر شده و سنجیده باشد. باید متوجه باشیم که در چنین شرایطی نه فقط اطلاعات و سپاه و بسیج بلکه انواع دارو دسته های باند سیاهی اسلامی و مزدوران جریانات ارتجاعی و ضد کمونیست و فاشیست قوم پرست و امثال آنها تحرک پیدا می کنند و امنیت ما و تاکتیکهای امنیتی ما باید همه اینها را در نظر بگیرد و ضربه امنیتی را صرفا ناشی از جمهوری اسلامی و ارگانهای رسمی سرکوب آن ندانند.

امنیت شما برای ما و خودتان و امر سرنگونی جمهوری اسلامی و تحولات مثبت در ایران از نان شب لازم تر است. یکی از شاخصهای جدی موفقیت فعالین کمونیست و رهبران مردم و یک سازمان آهنگین کمونیستی مساله امنیت و تامین امنیت آن است. این مساله را جدی بگیرید و به جنبه های مختلف کارتان از زاویه تامین امنیت و ادامه کاریتان نگاه کنید و بازبینی و اقدامات لازم را بعمل بیاورید.

## به گارد آزادی به پیوندید!